

بررسی نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر صاحب نظران، استادان و روزنامه نگاران افغان مقیم داخل و خارج*

محمدهاشم عصمت‌اللهی

تاریخ دریافت: ۸۱/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۸۲/۶/۲

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چکیده

یکی از هدف‌های مهم این تحقیق، تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان است، زیرا نظام مطبوعات این کشور با ۱۲۹ سال سابقه روزنامه‌نگاری، اینک تحت تأثیر بحران و جنگ ۲۳ ساله در سرانجامی سقوط قرار گرفته است. برای پر کردن این خلأ ارتباطی و نیز به منظور حفظ

* این مقاله خلاصه‌ای از رساله دکتری نگارنده است که به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۰ در تالار دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی با حضور استادان راهنما و مشاور و داوران رساله دفاع شد.

دست‌آوردهای این صنعت فرهنگی تصمیم گرفتیم تا به صورت علمی نظام آتی مطبوعات افغانستان را تبیین نمایم.

برای نیل به این مهم، نظریه‌ها و نظام‌های مطبوعات غرب و همچنین تجارب روزنامه‌نگاری افغانستان را با استفاده از مقوله آزادی که سنگ بنا و جوهره هر نظام مطبوعاتی است، بررسی کردیم. سرانجام برای اولین بار در این تحقیق، نظام‌های مختلف مطبوعات افغانستان از هم متمایز شدند. نیز با استفاده از روش کیو که مناسب‌ترین روش برای آزمون نظریه‌ها است، پرسشنامه‌ای در قالب پرسش‌های بسته (مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت) طراحی و تهیه شد. در ساختن پرسشنامه از ۷۵ گویه که معرف پنج نظام مطبوعاتی غرب (نظام‌های آمرانه، آزادی‌گرا، مسئولیت اجتماعی، کمونیستی و توسعه‌ای مطبوعات) است، مدد گرفته شد. پرسشنامه برای شصت نفر از استادان و روزنامه‌نگاران افغان که دست کم ده سال سابقه روزنامه‌نگاری داشتند ارسال شد. تعداد ۴۵ نفر از استادان و روزنامه‌نگاران مقیم داخل و خارج افغانستان به پرسش‌های تحقیق پاسخ دادند. پس از دریافت پاسخ‌ها، با استفاده از برنامه رایانه‌ای کوانت محاسبات آماری انجام شد. هر سه طیف پاسخ‌دهندگان به دو گونه تقسیم شدند. سپس ضریب همبستگی میان آن‌ها محاسبه شد تا میزان همبستگی هر پاسخگو با پاسخگویان دیگر مشخص گردد. همچنین مقادیر وزن پاسخگویان در گونه‌های (۱ و ۲) محاسبه شد و با استفاده از مقادیر وزن، نمرات استاندارد (Z) نیز محاسبه گردید.

سرانجام با استفاده از تحلیل داده‌ها ثابت شد که پاسخگویان در درجه اول با ویژگی‌های نظام‌های مسئولیت اجتماعی و آزادی‌گرا موافقت دارند و با گویه‌های نظام آمرانه و کمونیستی مطبوعات به مخالفت برخاستند، که این، تمایل آن‌ها را به برخورداری از شرایط آزاد و غیردولتی نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر ۴۵ پاسخگوی این تحقیق، معجونی از نظام‌های مسئولیت اجتماعی و آزادی‌گراست که فرضیه این

تحقیق را نیز تأیید می‌کند.

مقدمه و طرح مسئله

تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان به هدف پرکردن خلأ ناشی از نبود نظام مطلوب در آن کشور یکی از انگیزه‌های مهم این تحقیق است و باید اذعان کرد که این پژوهش یکی از نیازهای اساسی جامعه افغان را برآورده خواهد ساخت. زیرا افغانستان پس از سپری کردن بحران ۲۳ ساله اینک در کانون توجه جهان قرار گرفته و عزم جامعه جهانی بر آن است تا این کشور را در بازسازی و نوسازی کمک نماید. اکنون که آفتاب طالع این سرزمین درخشیدن گرفته است و مردم مظلوم آن پس از تحمل رنج‌ها و مرارت‌ها به انتهای تونل رسیده‌اند و افق روشن را به نظاره نشسته‌اند، نظام مطلوب مطبوعات در عرصه‌های توسعه و بازسازی کشور می‌تواند نقش محوری و کلیدی داشته باشد. اما مسئله مهم و درخور توجه آن است که چه نظام مطبوعاتی می‌تواند نیازهای آتی و آتی کشور را تأمین کند؟ آیا انتقال تجارب جهانی در عرصه‌های مطبوعات می‌تواند حلال مشکلات مطبوعات افغانستان باشد؟ یا جایگزین کردن یکی از نظام‌های مطبوعات گذشته افغانستان مقید به حال و آینده کشور خواهد بود؟

شایان ذکر است که جامعه جهانی نظام‌های آمرانه، آزادی‌گرا، مسئولیت اجتماعی، کمونیستی، انقلابی، و نظام توسعه را تجربه کرده است. در کشور افغانستان نیز نظام‌های آمرانه و کمونیستی، مطبوعات مقاومت و تاحدودی نظام آزادی‌گرا و مطبوعات توسعه تجربه شده‌اند.

بدین ترتیب، چگونگی و نوع نظام مطبوعات آینده افغانستان از مهم‌ترین مسائل این پژوهش است.

برای تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان در ابتدا در بخش مبانی نظری مروری خواهیم داشت به تجربه‌های جامعه جهانی در عرصه نظام‌های مطبوعاتی و متعاقباً فرآیند

روزنامه‌نگاری افغانستان را از بدو تأسیس نخستین نشریه تا سپری شدن دوره‌های مختلف مطبوعاتی و تا امروز که مطبوعات افغانستان تحت تأثیر جنگ و بحران ۲۳ ساله در سراسر سقوت و متلاشی شدن قرار گرفته است به بحث خواهیم گرفت.

لازم به تذکر است که مقوله‌های آزادی و کنترل، واحد تحلیل این بخش پژوهش هستند؛ یعنی، نظام‌های مطبوعات را با دو مقوله «آزادی و کنترل» به نقد و بررسی خواهیم کشاند. بدین ترتیب، در ابتدا واژه آزادی مطبوعات که جوهره و سنگ بنای هر نظام مطبوعاتی است، از منظر فلاسفه و اندیشه‌گران غرب و سپس از دیدگاه اصحاب مکتب فرانکفورت، مکتب مطالعات فرهنگی بریتانیا و نیز مکتب مارکسیسم به بحث گرفته شده و سپس این مقوله را در متون حقوقی غرب بررسی کرده و سرانجام تصویری از شناخته‌ترین نظام‌های مطبوعاتی جهان با توجه به ویژگی‌های هر یک ارائه شده است.

باید اذعان کرد که با استفاده از تجارب غرب و ملاک قرار دادن مقوله آزادی مطبوعات که تصویری از وضع مطلوب و آرمانی جامعه ارائه می‌دهد، فرآیند روزنامه‌نگاری افغانستان نیز مورد بررسی قرار گرفته است و در این بخش مطالعه، مقوله آزادی مطبوعات ملاک سنجش و ارزیابی مطبوعات افغانستان در دوره‌های مختلف است. بررسی قوانین مطبوعات افغانستان در دوره‌های مختلف نیز یکی از زمینه‌های این مطالعه است.

شایان ذکر است که پرسش‌های تحقیق از منابع مربوط به نظریه‌های مختلف مطبوعات غرب استخراج شده و در قالب پرسش‌های بسته و مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت طراحی و تنظیم شده و به آدرس پاسخگویان در کشورهای مختلف ارسال گردیده است.

در وهله دوم پس از دریافت پاسخ‌ها، داده‌ها در برگه‌های مخصوص «کودینگ» جمع‌آوری و با استفاده از روش کیو که مناسب‌ترین شیوه برای آزمون و ارزیابی نظریه‌هاست، و نیز به کمک برنامه کوانل که به همین منظور طراحی شده است، محاسبات آماری انجام شد. در این بررسی ضریب همبستگی محاسبه شد تا میزان همبستگی هر پاسخگو با پاسخگویان دیگر مشخص

گردد. همچنین مقادیر وزن پاسخگویان در گویه‌های (۱ و ۲) محاسبه و با استفاده از مقادیر، وزن (Z) نیز محاسبه شد. شایان ذکر است که نمره استاندارد هر گویه که بیش‌تر از (+۱) باشد دلالت بر موافقت بیش‌تر و نمرات (Z) هر گویه که کم‌تر از (-۱) باشد، دلالت بر مخالفت بیش‌تر پاسخگویان دارد.

چهارچوب مفهومی^(۱) پژوهش

۱- بخش اول: مفهوم آزادی مطبوعات

از آن‌جا که موضوع تحقیق حاضر، تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر صاحب‌نظران، استادان و روزنامه‌نگاران افغان مقیم داخل و خارج کشور است، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و نیز تبیین منظم و منسجم یافته‌ها نیاز به چهارچوب مفهومی است که بر اساس آن، روابط و همبستگی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته به درستی توصیف و تحلیل شود. بدین ترتیب در ابتدا مقوله آزادی مطبوعات از منظر فلاسفه غرب به بحث گرفته شد زیرا نظام‌های مطبوعات جهان محصول اندیشه‌های فلاسفه آزادی‌گرا و نیز برآیند تلاش نخبگان و ارباب قلم هستند. بدین ترتیب فقط با مقوله آزادی می‌توان نظام‌های مطبوعاتی کشورها را محک زد و آن‌ها را شناسایی کرد.

شایان ذکر است که در کشورهای غربی برای نخستین بار تلاش‌هایی صورت گرفته تا موانعی را از سر راه آزادی مطبوعات بردارند و در این راستا فلاسفه و نخبگان متحمل سختی‌ها شدند و در میان کشورهای غربی سهم و نقش فلاسفه و اندیشه‌گران انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا در عبور از این موانع بیش‌تر بوده است. دکتر معتمدنژاد می‌نویسد: «از زمان سقراط و افلاطون تا ماکیاوولی برای قرن‌ها، تفکر استبدادی بر فلسفه سیاسی جهان حاکم بود. حتی پیش

از پیدایی چاپ نیز مقررات محدودکننده‌ای از طرف مقامات مذهبی و غیرمذهبی اروپا بر همه نوشته‌ها تحمیل می‌شد (معمدنزاد، ۴).

بنابراین نظام مطبوعات قبل از عصر روشنگری و سال‌های آغازین آن، نظامی احتیاطی و پیشگیرانه بود که از طریق اجازه یا امتیاز و سانسور قبلی اعمال می‌گردید. این وضع تا مدت‌های طولانی ادامه داشت تا آن‌که در عصر روشنگری، فلاسفه آزادی‌گرا نظریه‌هایی را ابراز داشتند که به اختصار می‌نگاریم.

یکی از باشکوه‌ترین کتابهای عصر روشنگری به نام آریوپگیטיگا (Areopagitica) توسط جان میلتون، شاعر و نویسنده انگلیسی بدون اجازه و ثبت به چاپ رسید. میلتون در این کتاب می‌نویسد: «من انکار نمی‌کنم که یکی از مهم‌ترین دلبستگی‌های کلیسا مراقبت از چگونگی کتاب‌ها است، درست همان‌گونه که باید خاطیان را توقیف و زندانی کرد و تندترین قضاوت‌ها را درباره آنان به جا آورد، زیرا کتاب‌ها اشیای مطلقاً مرده‌ای نیستند، بلکه چنان زندگی در خود دارند که می‌توانند به قدر همان روحی که از آن برآمده‌اند، فعال باشند. آری، آن‌ها مانند ظرفی در خودشان خالص‌ترین اثر و جوهر آن هوش زنده‌ای را دارند که آن‌ها را به وجود آورده است. پس، از میان بردن یک کتاب خوب ممکن است برابر با قتل نفس باشد. هرکس انسانی را بکشد، موجود خردمندی را کشته است که شبه خدا است، اما آن‌که کتاب خوبی را نابود می‌کند خود خرد را می‌کشد، یعنی صورت خدا را به هلاکت می‌رساند. بسیاری از مردم فقط زندگی جسمانی دارند و مانند باری به روی زمین هستند؛ ولی یک کتاب خوب، خون و مایه زندگی یک روح عالی است، مخصوصاً برای حیاتی و رای زندگی عادی، تزیین و ذخیره شده است» (ویل دورانت، ۱۳۷۴: ۲۷۵). جان میلتون با این نوشته در برابر سلطه زمامداران مستبد و نظام سانسور قیام کرد و در دفاع از آزادی مطبوعات پیشگام شد و پیام خود را جاودانی ساخت. جان لاک یکی از فلاسفه بزرگ غرب که سنگ‌بنای نظریه دموکراتیک جدید انگلستان و ایالات متحده آمریکا را گذاشت، در انتقاد از نظام سلطه و دفاع از آزادی می‌نویسد: «اعمال قدرت به

وسیله حکومت‌ها که چیزی جز ارضای امیال خودخواهانه آن‌ها نیست، به هیچ وجه در قالب شاهکار الهی جای نمی‌گیرد، بلکه به منزله نقض آشکار قوانین طبیعت است؛ درحالی که قدرت حکومت باید صرفاً در خدمت منافع اجتماعی افراد بشر و در جهت صیانت زندگی، آزادی و دارایی یعنی حقوق افراد، مورد استفاده واقع شود» (برایان هد، ۱۳۷۳: ۱۹۰). بدین ترتیب، لاک نه تنها اعمال سانسور را مغایر فطرت انسانی می‌داند، بلکه دولت‌ها را ملزم به رعایت این حق می‌کند و مزید بر آن از دولت‌ها می‌خواهد تا در صیانت از این حق الهی حمایت کنند. اما به نظر جان استوارت میل، مقوله آزادی با گزینش و انتخاب، رابطه معنی‌داری دارد، یعنی انسان در درجه اول موجودی انتخاب‌گر است و انسانیت انسان آن‌گاه تحقق می‌یابد که بتواند برگزیند و در موضع گزینش قرار نگیرد. وی همچنین در انتقاد از استبداد کلیساها و نظام‌های آمرانه می‌نویسد: «چه زشت است و وحشتناک که مسیحیانی که اصلاح‌طلبانشان به نام مرتد، ملحد و کافر در سیاه‌چال‌ها یا در زیر چماق جان سپردند، مسیحیانی که دیانتشان همواره از رحم، آزادی و مدارا دم می‌زند؟!» او در ادامه می‌نویسد: «آزادی یعنی این که هر انسان بالغی حق داشته باشد آن طور که مایل است فکر و عمل کند و محدوده آزادی تا آن جاست که به آزادی دیگران لطمه وارد نشود» (Sibert & Peterson, 46) همچنین میل در رساله خود تحت عنوان درباره آزادی می‌نویسد: «... امیدوارم دیگر آن زمان‌هایی که لازم بود از آزادی مطبوعات به عنوان یکی از تضمین‌های بزرگ اجتماع در برابر حکومت‌های فاسد و ستمگر دفاع کرد، گذشته باشد.»

امروزه تقریباً هیچ نیازی به توضیح یا اثبات این نظر نیست که ما نباید به یک هیئت مقننه یا مجریه که منافعش با منافع خلق یکی نیست اجازه دهیم که برای افراد جامعه عقیده‌ای تجویز کند یا این که تصمیم بگیرد چه نوع نظریات و دلایلی باید به گوش مردم برسد» (معمدنژاد، ۳۵).

اما مارکس و انگلس از مفهوم آزادی برداشت دیالکتیکی دارند. آن‌ها آزادی را شناخت قوانین عینی و قانون‌مندی دگونی‌های جهان عینی می‌دانند و معتقدند که انسان‌ها تا زمانی که قوانین عینی را نشناخته‌اند، ناگزیر به شکل کورکورانه و ناآگاهانه تسلط این قوانین را بر خود

تحمل می‌کنند؛ از همین رو آزاد نیستند. اما هنگامی که موفق به شناختن و کشف قوانین طبیعی شدند و توانستند آن‌ها را آگاهانه برای هدف معین مورد استفاده قرار دهند، در آن صورت آزادی معین را به دست می‌آورند» (سازمان اتحاد، ۱۳۷۵: ۴۷). اما به طور دقیق‌تر، مارکس معتقد است که صاحبان ثروت زمام امور را در دست دارند و نمی‌گذارند تا دیگران به قدرت دست یازند و به آزادی برسند (همان‌جا). در این زمینه، لنین لحن شدیدتری دارد و معتقد است که آزادی مطبوعات برای دشمنان انقلاب سوسیالیستی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما استالین در قالب یک پرسش نظرش را ابراز داشته می‌نویسد: «ما این جامعه را برای رسیدن به آزادی‌های فردی بنا نکرده‌ایم، بلکه هدف ما این بوده است که انسان خود را آزاد حس کند» و نیز در انتقاد از نظام‌های امپریالیستی می‌گوید: «معنی آزادی فردی برای انسان بیکاری که گرسنه است و از زحمتش هیچ نفعی نمی‌برد، چیست؟» استالین با طرح این پرسش نتیجه گرفته می‌نویسد: «فقط در جایی که استثمار نابود و بساط ستم برچیده شد، می‌توان گفت آزادی‌های فردی تحقق می‌یابد» (تقریرات دکتر معتمدنژاد، ۱۳۷۶/۱۲/۱۶).

بدین ترتیب رهبران مارکسیسم آزادی را تصمیم آگاهانه در برابر قوانین طبیعی و رهبران نظام سوسیالیستی شوروی سابق، ضمن نفی آزادی‌های فردی، آن را توطئه نظام‌های سرمایه‌داری می‌دانند. اما دیدگاه‌های اصحاب مکتب فوانکفورت درباره آزادی مطبوعات از جهات گوناگون حائز اهمیت است. ^۱ *تال جامع علوم انسانی*

هربرت مارکوزه ضمن انتقاد از نظام سرمایه‌داری مبنی بر این که این نظام اقتصاد به اصطلاح مصرف را تبلیغ می‌کند و در انسان یک طبیعت ثانوی پدید می‌آورد و سرانجام ساحت درونی فرد را فرسوده می‌سازد که نابودی این ساحت منجر به سازگاری فرد با اوضاع جاری می‌گردد، نتیجه می‌گیرد که دستگاه عظیم تولید و توزیع، استقلال و آزادی فرد را سلب کرده است. بدین ترتیب فرد در نظام سرمایه‌داری آزاد نیست (همان‌جا). اریک فروم نیز در انتقاد از نظام سرمایه‌داری می‌نویسد: «دموکراسی نوین که با آزاد کردن فرد از بندهای برون به وی فردیت

حقیقی بخشیده، سازگار نیست. ما به خود می‌بالیم که از استیلای قدرت‌های بیرون خارج شده‌ایم و در بیان افکار و احساسات آزادیم و بدون دلیل و حجت قبول می‌کنیم که این خودبه‌خود ضامن فردیت ماست، ولی غافلیم که حق بیان افکار فقط در صورتی دارای معناست که افکاری برای خود داشته باشیم... برای این که آدمی بتواند زنده بماند سعی خواهد کرد تا از آزادی و بالاخص آزادی منفی بگریزد و ناگزیر به سوی بندهای تازه می‌رود (هابرماس، ۱۳۷۶: ۷۴).

هابرماس ضمن پرداختن به فضای عمومی معتقد است که با استفاده از فضای عمومی می‌توان به همه آزادی‌ها دست یافت چون در فضای عمومی زمینه گفت‌و شنود فراهم می‌گردد و انتقاد صورت می‌گیرد (معمدنژاد، ۱۳۶۹: ۱) در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که اصحاب فرانکفورت آزادی مطبوعات در جهان غرب را تخدیرکننده و انسانی را که در قلمرو غرب زندگی می‌کند، منفعل و غیریویا می‌دانند. اما مقوله آزادی مطبوعات در مکتب مطالعات فرهنگی بریتانیا نیز بحث‌های جدی را به خود اختصاص داده است. بر اساس مطالعات این مکتب، وسایل ارتباط جمعی از طریق تلاش هماهنگ می‌خواهد بر احساسات، شعور، و طرز فکر افراد غلبه و تأثیر بگذارد و سرانجام جامعه را شبیه هم ساخته، تفکر یکنواخت و همسان را ایجاد کند. ویلیامز معتقد است که سازمان و تشکیلات فرهنگ امروز، ارتباط نزدیک با تکامل سرمایه‌داری دارد که تحت تأثیر چنین شرایطی وسایل ارتباط جمعی در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار دارند و نقشی جز همسان‌سازی جامعه ندارند (عصمت‌اللهی، ۱۳۷۵: ۲۴).

رالف میلی باند نیز بر این باور است که: «وسایل ارتباط جمعی به بهبود فضای سازگاری در جامعه نه در راستای از بین بردن کل اختلاف عقاید که با ارائه مؤثر آرا و عقایدی فراتر از شعور اجتماعی در جهت حقایق مختلف و خلاف واقع کمک می‌کند که تنها افراد پویا و منطقی می‌توانند آن را درک کنند. بدین ترتیب افراد فاقد آزادی هستند.» (همان‌جا). همچنین ویلیامز معتقد است که وسایل ارتباط جمعی در ایجاد وفاداری و تحکیم علائق اقتصادی و سیاسی

دارندگان وسایل ارتباطی سهم دارند و مخاطبان را به نظام کم وابسته می‌سازند و در جهت علایق و منافع تجاری دولت‌ها عمل می‌کنند (همان‌جا). ماحصل مطالعات فرهنگی مکتب بریتانیا در زمینه آزادی این است که وسایل ارتباط جمعی توان انتخاب را از مخاطبان سلب و افراد جامعه را فاقد آزادی و استقلال می‌سازند.

اما دکتر معتمدنژاد ضمن تقسیم آزادی مطبوعات به عام و خاص در تعریف این دو مقوله می‌نویسد: «آزادی مطبوعات به طور عام، جست‌وجو، جمع‌آوری، کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آن‌ها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های یادشده را دربرمی‌گیرد» (معتمدنژاد، ۱۳۷۹: ۲۴). نیز در تعریف مقوله آزادی به معنای خاص می‌نویسد: «نشر آزاد روزنامه، بدون هیچ محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط و مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه را شامل می‌شود» (همان‌جا).

بخش دوم: معروف‌ترین نظام‌های مطبوعات غرب و ویژگی‌های آنان

قبل از پرداختن به معرفی معروف‌ترین نظام‌های مطبوعاتی غرب و ویژگی‌های آنان لازم است مقصود از واژه‌های نظام، نظام مطبوعاتی، نظام سانسور یا پیشگیرانه و نظام تنبیهی و تعقیبی توضیح داده شود.

نظام: مجموع اجزای به‌هم‌پیوسته‌ای است که یک واحد را تشکیل می‌دهند و تغییر هر یک از آن‌ها بر اجزای دیگر اثر می‌گذارد. در نظام، هر جزء، اثر و نتیجه‌ای دارد و برای بقای کل و اجزای دیگر کاری انجام می‌دهد.

نظام مطبوعاتی: مجموعه عواملی که در فرآیند جمع‌آوری، انتقال، تولید و انتشار پیام‌ها

نقش و سهمی دارند، نظام مطبوعاتی را می‌سازند. به تعبیر دیگر، نظام مطبوعاتی ترکیبی از سخت‌افزار و نرم‌افزار نیروهای انسانی و شیوه عمل رسانه‌های یک کشور است (شکرخواه، ۱۳۷۷).

نظام پیشگیرانه و سانسور: نظامی است که در آن مطبوعات در کنترل دولت قرار دارد و برای جلوگیری از انتقادات یا افشاگری علیه صاحبان قدرت، شرایط پیشگیرانه و مقررات بازدارنده‌ای را اعمال می‌کند. اخذ مجوز برای انتشار نشریه، دریافت امتیاز یا پرداخت ودیعه مالی و نظارت قبل از انتشار از ویژگی‌های نظام پیشگیرانه است.

نظام تنبیهی و تعقیبی: در نظام تنبیهی هیچ‌گونه شرایط پیشگیرانه و سانسور برای نشر جرایم و دیگر رسانه‌های جمعی وجود ندارد مگر در موارد خاصی که قانون محدودیت‌ها را مشخص کرده است. هرگاه جرم مطبوعاتی به وقوع بپیوندد، از طریق دادگاه‌های عادی و باحضور هیئت منصفه به آن مورد تخلف رسیدگی می‌شود و در صورت اثبات تخلف از قانون، تنبیه و مجازات اعمال می‌گردد.

معروف‌ترین نظام‌های مطبوعات جهان

۱- نظام آمرانه مطبوعات

نظام آمرانه مطبوعات سابقه و پیشینه طولانی دارد و قرن‌های متمادی تا سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی و حتی در سال‌های آغازین رنسانس ادامه داشت. تا آن‌که در اثر روشنگری فلاسفه و اندیشه‌گران و مبارزات آزادیخواهانه، مقررات آمرانه و پیشگیرانه متوقف گردید. دکتر معتمدنژاد معتقد است: «از زمان سقراط و افلاطون تا ماکیاولی برای قرن‌ها تفکر استبدادی بر فلسفه سیاسی جهان حاکم بود. حتی پیش از پیدایی چاپ نیز مقررات محدود کننده‌ای از طرف مقامات مذهبی و غیرمذهبی اروپا بر همه نوشته‌ها تحمیل می‌شد. نظام مطبوعات این دوره اصولاً یک نظام احتیاطی و پیشگیرانه بود که از طریق اجازه یا امتیاز انتشار

و سانسور قبلی اعمال می‌گردید» (معمدنژاد، ۴). در منطق نظام آمرانه، دولت مظهر ارادهٔ جمعی و مجموعه‌ای از صفات مطلوب است که نسبت به سرنوشت افراد جامعه تصمیم می‌گیرد و جامعه را به سوی کمال مطلوب هدایت می‌کند. بنابراین مطبوعات و دیگر وسایل ارتباط جمعی ابزاری در دست نظام حاکم هستند و هرگونه مخالفت در برابر نظام حاکم، جرم و تخلف تلقی می‌شود. سانسور قبل از انتشار، اعطای مجوز برای چاپ و انتشار نشریه، دخالت در محتوای مطبوعات، عزل و نصب مدیران نشریه و رسانه‌های جمعی از مهم‌ترین مشخصات نظام آمرانهٔ مطبوعات هستند.

اما در سال‌های آغازین رنسانس، در کنار دست‌آوردهای علمی آن روز، مبارزات آزادی‌بخش نیز شکل گرفت، و انتقاد از نظام سانسور به صورت فزاینده‌ای گسترش یافت تا آن‌که در بسیاری از کشورهای اروپایی، به‌ویژه در انگلیس و فرانسه، مقررات آمرانه و سانسور ملغی شد و نظام تنبیهی مورد توجه و عنایت اروپاییان قرار گرفت. و اینک به جز در تعداد اندکی از کشورهای جهان، نظام‌های تنبیهی مستقر هستند.

۲- نظام آزادی‌گرایی مطبوعات

نهضت فکری اروپا و متعاقباً انقلاب‌های صنعتی در سده‌های هفدهم و هجدهم موجب گردیدند تا در عرصهٔ ادارهٔ نظام‌های مطبوعات نیز نظریه‌های نوین ارائه شود. در کنار این نظریه‌ها تلاش‌های آزادی‌خواهانه‌ای صورت گرفت تا موانعی را از سر راه آزادی مطبوعات بردارند. سرانجام نظریه‌های آزادی‌گرا در متون حقوقی غرب مورد عنایت و توجه قرار گرفت و در شکل‌گیری نظام‌های آزاد، نقش اساسی و نمود عینی پیدا کرد. نظریه‌های آزادی‌گرا با انحصار رسانه به وسیلهٔ دولت‌ها مخالف هستند. سانسور و برنامه‌های پیشگیرانه در این نظام، محلی از اعراب ندارد. افراد حقیقی و حقوقی حق انتشار آزادانهٔ جراید و سایر رسانه‌های جمعی را دارند، و حتی مطبوعات حق نظارت بر عملکرد دولت را دارند و هدف رسانه‌های جمعی کشف

حقایق و همکاری در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی مردم است. در نظام آزادی‌گرا، سانسور و شرایط پیشگیرانه وجود ندارد، اما تنبیه و مجازات متخلف تنها از طریق دادگاه‌های عادی و با حضور هیئت منصفه قابل پیگیری است.

۳- نظام مسئولیت اجتماعی مطبوعات

نظام مسئولیت اجتماعی شکل تحول یافته نظام آزادی‌گراست و به تعبیر نویسنده کتاب *چهار نظریه مطبوعات (Four Theories of the Press)* «نظریه مسئولیت اجتماعی پیوند عقاید تازه به درخت آزادی‌گرای سنتی است» (Sibert and Peterson, 1956: 50).

شایان ذکر است که نظریه مسئولیت اجتماعی به دنبال بروز انتقادهایی علیه نظام آزادی‌گرا به خصوص در مورد انحصار وسایل ارتباط جمعی در دست سرمایه‌داران بزرگ از یک سو و نیز گزارش بسیار مهمی که کمیسیون آزادی مطبوعات دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۴۷ منتشر کرد، به منصفه ظهور رسید. نظریه مسئولیت اجتماعی بر پایه این فرض بنا شده که آزادی همیشه تعهداتی به همراه دارد و مطبوعات که در جامعه موقعیت ویژه‌ای دارند، در برابر جامعه مسئول هستند. اما زمانی که مطبوعات رسالت خود را نادیده گرفتند، لازم است که نهادی بر اعمال آن‌ها نظارت کند. این نهاد باید از خود روزنامه‌نگاران باشد و دولت در شکل‌گیری و انحلال آن هیچ نقشی نداشته باشد.

پایبندی به اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری از مهم‌ترین مشخصه‌های نظام مسئولیت اجتماعی است. آگاهی دادن به مردم و خدمت به نظام سیاسی از طریق فراهم نمودن اطلاعات و امکان بحث و مناظره در عرصه‌های مهم زندگی، مراقبت از حقوق فردی از طریق نظارت بر اعمال حکومت‌ها، خدمت به نظام اقتصادی از طریق تبلیغات بازرگانی، و ایجاد سرگرمی‌های سالم و تأمین امکانات مالی به مطبوعات به منظور جلوگیری از اعمال گروه‌های فشار، از ویژگی‌های نظام مسئولیت اجتماعی است.

۴- نظام کمونیستی مطبوعات

این نظام برآیند اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم است. بر اساس اندیشه‌های رهبران این مکتب، مطبوعات و رسانه‌های جمعی در خدمت ترویج ایدئولوژی مارکسیسم و انقلاب سوسیالیستی هستند. در این نظام، مطبوعات به مثابه ابزاری در جهت تحکیم پایه‌های دولت عمل می‌کنند و وظیفه مطبوعات تبلیغ، تهییج و ترویج اندیشه‌های حزب است. هدف از تأسیس رسانه‌های جمعی اتحاد و یکپارچگی و سهم کردن توده‌ها در راستای اهداف رهبران سوسیالیسم و مبارزه با امپریالیسم و تلاش آن‌ها در راه انتقال اطلاعات دولتی و در نتیجه هموار کردن راه برای حزب و سازمان‌های کارگری است.

۵- نظام توسعه‌ای مطبوعات

نظریه توسعه‌ای مطبوعات، بازتابی از خشم و حرمان کشورهای جهان سوم و عقب‌نگه‌داشته جهان است. در این نظام، مطبوعات نقش آگاهی‌دهنده و هوشیارساز دارند. ویلیام هاکنن امریکایی نظریه توسعه مطبوعات را عکس‌العمل جهان سوم علیه غرب می‌داند و معتقد است که نظریه توسعه، دیدگاه ارتباطی بسیاری از کشورهای جهان سوم است که بخش اعظمشان رنگین‌پوست، بیمار و بی‌سواد هستند و نسبت به غرب یعنی جایی که اکثر مردمانش سفیدپوست، مرفه و باسواد هستند، خشم می‌ورزند (Hachten, 1981: 132).

باید اذعان کرد که هاکنن این نظریه را در سال ۱۹۸۱ میلادی یعنی شانزده سال بعد از انتقادات چودری عنایت‌الله، محقق بنگلادشی در دانشگاه هاوایی، از جریان آزاد اطلاعات، ارائه کرده است.

در این نظام، مطبوعات و رسانه‌های جمعی از قدرت حاکم در راستای توسعه کشور حمایت می‌کنند و محلی برای ابراز مخالفت نیست. نظریه توسعه بر این باور است که آزادی بیان و سایر آزادی‌های مدنی در مقایسه با مشکلات توانکاهی نظیر فقر، بیماری، بی‌سوادی و

مشکلات قومی فراروی این ملت‌ها، تجملات نامربوطی بیش نیستند. در این نظام، مطبوعات نقش اساسی در تحولات مهم کشور دارند و در عین حال، در تضاد با نظام حاکم نیستند و بر نقش مردم در ساختن جامعه تأکید می‌نمایند.

بخش سوم - بررسی سیر تحولات روزنامه‌نگاری افغانستان

مطبوعات و روزنامه‌نگاری در کشور افغانستان ۱۲۹ سال سابقه دارد. اولین رسانه نوشتاری به نام شمس‌النهار در سال ۱۸۷۳ میلادی به دستور امیر شیرعلیخان تأسیس، چاپ و منتشر شد. از آن دوره تا حال، مطبوعات افغانستان شرایط گوناگونی را سپری و فرازونشیب‌هایی را تجربه کرده است. اما در ۲۳ سال اخیر تحت تأثیر شرایط جنگ و بحران سیاسی کشور، همه دست‌آوردهای مطبوعاتی کشور دستخوش دگرگونی عمیق و تحول ناپایدار شده و در سراسیمگی سقوط قرار گرفته است و اینک کشور افغانستان از نبود نظام مطلوب مطبوعات رنج می‌برد. لذا برای پرکردن این خلأ ارتباطی، فرهنگی و علمی کشور ناگزیر از تحقیق در این زمینه شده‌ایم تا از یک سو، این صنعت گران‌سنگ فرهنگی کشور از سقوط حتمی حفظ گردد و از سوی دیگر در آستانه تحولات آتی، الگویی برای نظام مطلوب مطبوعات کشور ایجاد گردد. اما قبل از تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر صاحب نظران و استادان افغانی مقیم داخل و خارج کشور، لازم دیده شد تا با استفاده از مطالعه بخش‌های یک و دو این پژوهش، روند روزنامه‌نگاری افغانستان از بدو تأسیس نخستین روزنامه رسمی کشور تا سال ۲۰۰۱ میلادی مرور گردد.

شایان ذکر است که این بررسی از نگاه نظریه‌های ارتباطی و با استفاده از تجارب جامعه جهانی در عرصه نظام‌های مطبوعاتی انجام شده است. بدین ترتیب روزنامه‌نگاری افغانستان برای اولین بار در این بررسی به دوره‌های مختلف تفکیک و تقسیم و هر دوره بر اساس مشخصات آن، به نام‌های نظام آمرانه، مبتنی بر قانون، آزادی‌گرا، کمونیستی و مطبوعات

مقاومت نام‌گذاری شدند و مبنای این تقسیم‌بندی، نظریه‌های آمرانه، آزادی‌گرا، کمونیستی، مسئولیت اجتماعی و نظریه توسعه بوده که تاکنون در جهان تجربه شده و در نظام‌های مختلف مطبوعات جهان نمود عینی پیدا کرده است که اینک به اختصار معرفی می‌شوند.

۱- نظام آمرانه مطبوعات افغانستان

نخستین روزنامه رسمی کشور در دامن امارت و سلطنت متولد شد. امیر شیرعلیخان برای پیشبرد امور اصلاحی مملکت دستور داد تا جریده‌ای به نام *شمس النهار* تأسیس و چاپ گردد. این نشریه با امکانات دربار به زیور طبع آراسته شد. اما با دخالت انگلیسی‌ها و تشدید جنگ و بحران، پس از پنج سال در ۱۸۷۸ میلادی متوقف شد. از آن تاریخ به مدت ۲۸ سال تحت تأثیر جنگ‌های داخلی و مداخلات آشکار انگلیسی‌ها و روسیه تزاری، روزنامه دیگری منتشر نشد (غبار، ۱۳۵۹: ۵۹۵).

دومین روزنامه رسمی کشور نیز به دستور امیر حبیب‌الله‌خان در سال ۱۹۰۶ میلادی به نام *سراج الاخبار* چاپ و منتشر گردید. کارکنان این نشریه همانند نشریه قبلی از سوی دربار توظیف شدند و تمام امکانات و هزینه چاپ آن از سوی امیر پرداخت می‌شد. اما با حضور فعال عده‌ای از روشنفکران و اربابان قلم با محوریت محمود طرزی، نقش دربار در هدایت این نشریه کم‌رنگ شد و به قول محمد کاظم آهنگ روزنامه‌نگاری به صورت متداوم و اساسی در افغانستان با محمود طرزی پدر ژورنالیسم کشور آغاز شد (آهنگ، ۱۳۴۹: ۷۲).

درباره نام‌گذاری این دوره به نظام آمرانه مطبوعات باید گفت که روزنامه‌نگاری این دوره به دلیل نبود قانون اساسی در کشور به دستور امیر هدایت می‌شد. مجوز چاپ و نشر، تأمین امکانات و توظیف پرسنل، انعکاس اخبار و اطلاعات به دستور امیر و از صلاحیت دربار بود و به تعبیر دیگر، مالکیت و اداره روزنامه‌های *شمس النهار* و *سراج الاخبار* با دولت بود و در گستره حقوق دربار قرار داشت.

۲- نظام مبتنی بر قانون اساسی مطبوعات افغانستان

مطبوعات و روزنامه‌نگاری افغانستان پس از کسب استقلال سیاسی کشور در سال ۱۹۱۹ میلادی و پس از تهیه، تدوین و تنفیذ نخستین قانون اساسی کشور در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ میلادی وارد مرحله نوین و تکاملی خود شد. تضمین آزادی مطبوعات در قانون اساسی و حمایت از روزنامه‌های مستقل و غیردولتی بستر مناسبی را برای فعالیت‌های روبه‌رشد مطبوعات فراهم کرد. در این دوره، برای اولین بار روزنامه مستقل و غیردولتی انیس به مدیریت محی‌الدین انیس در پانزدهم ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۶ چاپ و نشر شد و نیز به همت اربابان قلم و انسان‌های فرهیخته کشور به تعداد ۲۳ روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه در پایتخت و شهرهای مهم کشور چاپ و نشر شدند و همچنین نخستین روزنامه زنان به نام *ارشادالنسوان* منتشر شد (آهنگ، ۱۳۴۹: ۱۱۷). نظام مطبوعات این دوره نه تنها بستری مناسب برای روزنامه‌های دولتی بودند، که مطبوعات خصوصی و آزاد نیز روند روبه‌رشد خود را سپری کردند.

در این دوره، مدیریت خصوصی مطبوعات پذیرفته شد و گرایش به شیوه‌های نوین روزنامه‌نگاری یکی از دست‌آوردهای مهم این دوره بود. براساس ماده ۱۱ نخستین قانون اساسی کشور که به نظامنامه دولت علیّه افغانستان معروف است، «مطبوعات و چاپ روزنامه‌های داخلی مطابق حکم قوانین آزاد است. حق چاپ روزنامه‌ها مختص به دولت و اتباع افغانستان است و نشریات خارجی از طرف دولت، تنظیم یا سانسور خواهند شد» (قوانین اساسی افغانستان، ۱۳۷۴: ۸۳).

۳- نظام آزادی‌گرای مطبوعات افغانستان در دهه دموکراسی

مطبوعات و روزنامه‌نگاری افغانستان پس از طی مراحل مختلف و تلاش‌های مداوم ارباب جراید و مطبوعات و نیز عنایت جمعی از صاحبان قدرت، سرانجام در سال ۱۳۴۳ شمسی

وارد یکی از متکامل‌ترین مراحل خود شد. در این سال، با اصلاحیه‌ای در قانون اساسی و مطبوعات کشور، بستری مناسب برای مطبوعات متنوع و متکثر فراهم گردید. تضمین آزادی‌های خصوصی مطبوعات، آزادی بیان و افکار، صیانت از حقوق روزنامه‌نگاران، نفی مقررات پیشگیریانه و سانسور در قانون اساسی مصوب ۱۳۴۳ یکی از ویژگی‌های این دوره است که مطبوعات و رسانه‌های جمعی را در آستانه تحولی بزرگ قرار داد. در ماده ۳۱ قانون اساسی مصوب نهم سنبله (شهریور) ۱۳۴۳ شمس‌آمه آمده است: «آزادی بیان از تعرض مصون است؛ هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار و تصویر و امثال آن مطابق قانون اظهار کند. هر افغان حق دارد مطابق با احکام قانون، به طبع و نشر بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد. اجازه و امتیاز تأسیس مطابع عمومی و نشر مطبوعات تنها به اتباع دولت افغانستان مطابق با احکام قانون داده می‌شود و تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون متخص به دولت است» (همان‌جا، ۱۲۳). همچنین در ماده ۲۶ قانون اساسی مصوب ۱۳۴۳ شمس‌آمه آمده است: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است و انفکاک نمی‌پذیرد و دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد» (همان‌جا، ۱۲۳).

شایان ذکر است که در کنار اصلاحیه‌های قانون مطبوعات افغانستان، ضمانت اجرایی آن را حاکمیت تضمین کرد و به بسترسازی آن نیز اهتمام ورزید. در آن دوره به ۳۱ نشریه و جریده مستقل و غیردولتی جواز نشر داده شد که هفت جریده آن متعلق به احزاب کمونیست چپ، مانند پرچم، خلق و شعله جاوید که ایده‌های مخالف با نظام حاکم داشتند، داده شد.

بدین ترتیب، آن دوره را دهه دموکراسی افغانستان نامیده‌اند و به نظر بنده در این دوره برای اولین بار نظام تنبیهی مطبوعات شکل گرفت.

نظام کمونیستی مطبوعات افغانستان

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در هفتم ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ شمسی با یک کودتای حساب‌شده، رژیم جمهوری محمد داود را سرنگون کرد و شورای انقلابی مشتمل بر رهبران خلق و پرچم بر اریکه قدرت تکیه زدند.

این رژیم که مورد حمایت شوروی سابق بود، چهارده سال زمام امور را در دست داشت تا آن‌که در اثر مقاومت جهادگران افغان و حمایت‌های بین‌المللی، ارتش سرخ شوروی سابق شکست خورد و متعاقباً رژیم کمونیستی افغانستان از صحنه قدرت سیاسی افغانستان کنار زده شد.

رژیم وابسته به شوروی سابق در نخستین سال‌های زمامداری خود به تأسی از نظام مطبوعات شوروی سابق، تصمیماتی را اتخاذ کرد و به منصفه عمل گذاشت. در دو سال اول، تمام جراید و روزنامه‌های غیرکمونیستی از نشر بازماندند، بسیاری از دست‌اندرکاران مطبوعات و رسانه‌های جمعی از سمت‌هایشان برکنار یا راهی زندان شدند. اما در اثر مقاومت مردم، رژیم کمونیستی افغانستان انعطاف نشان داد و در برخورد با عقاید و افکار مردم تجدید نظر کرد. در اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک مصوب ۲۵ حمل (فروردین) ۱۳۵۹ حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را برای اتباع تأمین و تضمین کردند. در ماده ۲۵ بند ۷ آمده است: «حق بیان آزادانه و علنی فکر، حق تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز و همچنین حق ایجاد وطن پرستانه در سازمان‌های دموکراتیک و مترقی اجتماعی از حقوق شهروندان بوده تضمین می‌شود» (همان‌جا، ۲۲۳).

اما اصلاحات تاکتیکی کمونیست‌ها مؤثر واقع نشد و نشریات مخالف رژیم اجازه چاپ و نشر در پایتخت و شهرهای مهم کشور را نداشتند. تا آن‌که دکتر نجیب‌الله آخرین رهبر کمونیست‌های افغانستان، با تدویر لویه جرگه در سال ۱۳۶۶، قانون اساسی افغانستان را بازبینی کرد. و ناگزیر از پذیرفتن قوانین قبلی به ویژه در عرصه قوانین مطبوعات شد. در ماده

۴۱ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۹/۹/۹ شمسی آمده است: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون است و دولت آن را احترام و حمایت می‌کند» (همان‌جا، ۲۵۱). در ماده ۴۹ همان قانون آمده است: «اتباع جمهوری افغانستان دارای حق آزادی فکر و بیان می‌باشند. اتباع می‌توانند از این حق به صورت علنی، شفاهی و تحریری طبق قانون استفاده کنند. سانسور مطبوعات قبل از نشر جواز ندارد» (همان‌جا، ۲۵۱).

با نگاهی دقیق و موشکافانه به محتوای این دو سند حقوقی درمی‌یابیم که این مقررات متأثر از قوانین پیشین افغانستان و نیز به تأثیر از جریان مقاومت افغانستان، به رشته تحریر درآمده بود. اما در عمل، آزادی بیان و مطبوعات وجود نداشت و مخالفان رژیم کمونیستی از نشر عقاید و افکارشان محروم بودند. داشتن کتب دینی در خانه‌ها جرم تلقی می‌شد و نمازخواندن و انجام دادن مناسک دینی پیگرد قانونی داشت. صدها و هزاران مسلمان به جرم داشتن عقاید اسلامی روانه زندان یا شهید شدند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که در نظام کمونیستی، مطبوعات در استخدام ایدئولوژی حزب حاکم و وسیله‌ای برای توجیه مواضع رژیم حاکم هستند. مالکان نشریات حزبی و کارکنان مراکز مطبوعاتی از سوی دولت و مقامات ذریبط منصوب می‌شدند و صرفاً طرفداران دولت از حق آزادی بیان و افکار بهره‌مند بودند.

۵- مطبوعات انقلابی و مقاومت جویانه افغانستان

با کودتای کمونیستی در افغانستان و متعاقباً اشغال کشور به وسیله ارتش سرخ شوروی سابق، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های مطبوعاتی به خارج از مرزها منتقل شد. جراید و روزنامه‌ها غالباً به وسیله احزاب و گروه‌های اسلامی مستقر در جمهوری اسلامی ایران و پاکستان هدایت می‌شدند. محتوی نشریات مقاومت، انقلابی و ضداستعماری بود و اغلب، اخبار جنگ را منعکس می‌کردند. تعدد و کثرت جراید، تنوع زبان، آرمان‌گرایی و تأثیرپذیری از

سبک‌های خبرنگاری ایران و پاکستان از مشخصات مطبوعات این دوره بوده است. اما مشکلات جدی روزنامه‌نگاری این دوره را باید در عدم هماهنگی و نبود استراتژی واحد بین گرداندگان مطبوعات دید. کم‌توجهی به اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و حزبی‌اندیشیدن مطبوعات نیز از نارسایی‌های مطبوعات این دوره است.

در این دوره، مطبوعات کشور فاقد نظام مطلوب مطبوعات بوده و اکثر دست‌اندرکاران مطبوعات مقاومت انقلابی افراد غیرحرفه‌ای و فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش که در سه سطح نظری، تاریخی و پیمایشی انجام شده است، در بررسی نظریه‌های مختلف مطبوعات غرب و نیز در بررسی فرآیند روزنامه‌نگاری افغانستان از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده کرده و در تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر صاحب‌نظران، استادان و روزنامه‌نگاران افغان مقیم داخل و خارج، روش کیو را به کار گرفته است؛ چون روش کیو مناسب‌ترین روش برای آزمون نظریه‌ها و عقاید فلسفی طراحی شده است که مطلوب ما را در این پژوهش برآورده می‌سازد.

جامعه آماری این تحقیق بر اساس نمونه‌گیری غیراحتمالی و در دسترس انتخاب شده است؛ به این معنی که از میان شصت نفر پاسخگو که وجه اشتراک آن‌ها ده سال سابقه روزنامه‌نگاری یا سابقه تدریس در دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کابل بوده ۴۵ نفر آن‌ها به شرح زیر همکاری کردند:

دوازده استاد روزنامه‌نگاری افغانستان مقیم اروپا، امریکا و آسیا،

پانزده روزنامه‌نگار افغان مقیم جمهوری اسلامی ایران، و

هجده روزنامه‌نگار افغان مقیم اروپا، امریکا و آسیا.

انتخاب ۴۵ پاسخگو با این فرض انجام شد که آن‌ها با شناختی که از وضعیت موجود دارند،

قادرند که دیدگاه‌های خود را در مورد نظام مطلوب مطبوعات افغانستان بیان کنند. پرسش‌های پرسشنامه از منابع مربوط به نظریه‌های مطبوعات غرب استخراج و در قالب مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طراحی شد. مجموع پرسش‌های پرسشنامه ۷۵ گویه بوده است که هر پانزده گویه آن معرف یکی از نظریه‌های آمرانه، آزادی‌گرا، کمونیستی، مسئولیت اجتماعی و نظریه توسعه‌ای مطبوعات است.

روش کیو

روش کیو یکی از روش‌های تحقیقی برای آزمون نظریه‌ها و عقاید فلسفی است که اولین بار توسط ویلیام استیفنسن (William Stephenson) در سال ۱۹۵۳ طراحی و به کار گرفته شد. رتبه‌بندی گویه‌های مورد بررسی یکی از سازوکارهای این روش است. گویه تحقیق به نحو «عبارت، جمله، عکس، خیر و...» می‌تواند باشد که به دو شکل (مقیاس لیکرت یا کارت‌های کیو) تنظیم می‌شود.

تفاوت این روش با روش تحقیق پیمایشی (R) در آن است که در روش پیمایشی، واحد تحلیل، افرادی است که به صورت نمونه انتخاب می‌شوند اما در روش کیو، واحد تحلیل، گویه‌های تحقیق است که پاسخگویان از میان آن‌ها گویه‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کنند (بدیعی، ۱۳۷۰: ۲۱۲). بدین ترتیب، در روش کیو نظریه‌ها اندازه‌گیری و آزمون می‌شوند نه پاسخگویانی که گویه‌ها را انتخاب می‌کنند. به تعبیر دیگر، در روش کیو گویه‌ها به جای افراد قرار دارند.

شایسته یادآوری است که در روش کیو وجود اشتراک پاسخگویان ضروری است، در حالی که در روش پیمایشی وجود اشتراک پاسخ‌دهندگان الزامی نیست. به همین دلیل، جامعه آماری در روش کیو از نوع غیراحتمالی انتخاب می‌شود. نکته دیگری که در این روش اهمیت دارد، آن

است که جامعه آماری ده تا پنجاه نفر هستند. در غیر این صورت، پاسخ‌ها به سمت نرمال میل خواهند کرد.

یافته‌های تحقیق

پس از دریافت پاسخ‌ها، در ابتدا داده‌ها در برگه‌های مخصوص کدگذاری و سپس به کامپیوتر منتقل شدند و با استفاده از برنامه رایانه‌ای کوانال (Quanal) ضریب همبستگی پیرسون برای هر سه طیف پاسخگویان (استادان، روزنامه‌نگاران مقیم داخل و روزنامه‌نگاران مقیم خارج) جداگانه محاسبه شد تا میزان همبستگی هر پاسخگو با پاسخگویان دیگر مشخص شود. همچنین مقادیر وزن پاسخگویان برای هر سه طیف در گونه‌های ۱ و ۲ محاسبه شد و متعاقباً با استفاده از مقادیر وزن، نمرات استاندارد (Z) نیز محاسبه گردید.

تفاوت نمرات استاندارد بیش از (+۱ یا -۱) به عنوان معیار تمایز بین دو گونه در نظر گرفته شد. لازم به یادآوری است که نمرات (Z) یا رتبه گویه‌ها معرف میزان موافقت یا مخالفت با گویه‌هاست. بدین ترتیب، نمره استاندارد هر گویه که بیش‌تر از (+۱) باشد دلالت بر موافقت بیش‌تر و نمرات استاندارد هر گویه که کم‌تر از (-۱) باشد، دلالت بر مخالفت بیش‌تر پاسخگویان دارد. اما در جایی که تفاوت نمرات استاندارد بین دو گویه در حد (+۱ یا -۱) باشد، بین آن‌ها تفاوت محسوسی وجود ندارد. این گویه‌ها را گویه‌های مورد توافق (consensus) می‌نامند.

جداول پانزده گانه این تحقیق به طور جداگانه معرف دیدگاه‌های ۴۵ پاسخگو از انتخاب گویه‌های تحقیق است که نمی‌توان همه آن‌ها را در این گزارش شرح داد. البته جهت اطلاعات بیش‌تر به اصلی پایان‌نامه می‌توان مراجعه کرد.

نگاهی به یافته‌های تحقیق

از خلال جداول پانزده‌گانه این تحقیق، تنها به یک جدول که معرف دیدگاه‌های ۴۵ نفر پاسخگو (استادان و روزنامه‌نگاران افغان مقیم داخل و خارج) در سه سطح - گویه‌های مورد توافق بیش‌تر، گویه‌های مورد توافق نسبی و گویه‌های مورد مخالفت بیش‌تر - است، خواهیم پرداخت. بر اساس داده‌های این جدول می‌توان ویژگی‌های نظام مطلوب مطبوعات افغانستان را از نگاه پاسخگویان بازشناخت.

در واقع می‌توان گفت که نظام مورد علاقه استادان و روزنامه‌نگاران افغان، بایدها و نبایدها و به طور کلی گویه‌هایی از پنج نظم مورد بررسی این تحقیق است که گزینش شده‌اند. شایان ذکر است که در این بخش، از برنامه کامپیوتر خواسته شد که با در نظر گرفتن تمام پاسخگویان (۴۵ نفر) ردیف ترتیب گویه‌ها را بر اساس نمرات استاندارد (Z) مشخص سازد. به عبارت دیگر، برخلاف جداول قبلی، تمام پاسخگویان در یک گونه در نظر گرفته شده‌اند.

۱- گویه‌های مورد توافق بیش‌تر

از میان ۷۵ گویه تحقیق، تمام پاسخگویان بر سر هجده گویه آن توافق بیش‌تر دارند که مشتمل بر هفت گویه مسئولیت اجتماعی، شش گویه توسعه‌ای و پنج گویه نظام آزادی‌گرا هستند. این اعداد و ارقام گرایش بیش‌تر پاسخگویان به نظام‌های مسئولیت اجتماعی، آزادی‌گرا و توسعه‌ای را نشان می‌دهند. در واقع می‌توان گفت که نظام مورد علاقه استادان و روزنامه‌نگاران افغان بایدها و نبایدهایی است که بایدهای آن به اصول برخی از این نظامها نزدیک‌تر است و در نتیجه، نبایدهای آن نیز با مبانی برخی دیگر همخوانی بیش‌تری دارد.

الف - وظایف و رسالت مطبوعات

بر اساس داده‌های به دست آمده، مطبوعات باید در حفظ هویت فرهنگی و زبان ملی مشارکت داشته باشند. رسالت مطبوعات ایجاب می‌کند که با استبداد داخلی و استعمار خارجی در ابعاد سیاسی و فرهنگی مقابله کنند. همچنین مطبوعات در چالش‌های اجتماعی باید استقلال حرفه‌ای و بی طرفی خود را با رعایت اصول اخلاقی حرفه‌ روزنامه‌نگاری حفظ کنند. نیز یکی دیگر از وظایف مطبوعات این است که در توسعه دموکراسی، یعنی حکومت مردم بر مردم و مشارکت مردم در انتخابات کمک کنند. رسالت مطبوعات ایجاب می‌کند که جایگاهی برای طرح دیدگاه‌های گوناگون باشند و نباید نسبت به پی آمدهای کار خود بی تفاوت باشند.

اعتبار مالکیت و حریم خصوصی افراد باید توسط مطبوعات حفظ شود و در صورت تجاوز به حقوق دیگران مطبوعات باید با عواقب قانونی آن روبه‌رو شوند. همه اقلیت‌های نژادی، مذهبی، قومی و سیاسی باید از هر گونه تعرض مطبوعات در امان باشند. مطبوعات با وجود آزادی عمل، در جمع‌آوری و انتشار پیام‌ها نیز مسئولیت دارند، یعنی، روزنامه‌نگاران باید آزادی و مسئولیت را با هم بیامیزند. یکی دیگر از وظایف مطبوعات این است که در باروری و شکل‌گیری بازار اندیشه بکوشند تا با تضارب آرا و اندیشه‌ها، حقیقت روشن شود. نیز رسالت مطبوعات ایجاب می‌کند که در ریشه‌کنی بی‌سوادی، گسترش بهداشت، آموزش و کنترل جمعیت کمک کنند. و بالاخره بر اساس گویه‌های مورد توافق، بیش‌تر مطبوعات باید آرای مهم و طرف‌توجه جامعه را منعکس سازند، نه فقط آن‌هایی را که با دیدگاه‌های مالک یا ناشر روزنامه همخوانی داشته باشند.

ب - حقوق مطبوعات

بر اساس داده‌های مورد توافق بیش‌تر، توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات از سوی

مقامات دولت باید ممنوع باشد. اعتبار، مالکیت و حریم خصوصی افراد باید توسط مطبوعات حفظ شود و در صورت تجاوز به حقوق دیگران، مطبوعات باید عواقب قانونی آن روبه‌رو شوند. یکی از مهم‌ترین گویه‌هایی که مورد توافق بیش‌تر قرار گرفته این بوده است که هیچ نهاد دولتی نمی‌تواند قانونی وضع کند که آزادی بیان و آزادی مطبوعات را محدود کند. بدین ترتیب، نظام مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر روزنامه‌نگاران و استادان افغان نظامی است که هیچ‌گاه در استخدام دولت نیست.

پ - اهداف و نقش مطبوعات

با استفاده از گویه‌های مورد توافق بیش‌تر می‌توان گفت که هدف از انتشار روزنامه در نظام مطلوب مطبوعات افغانستان، اطلاع‌رسانی، آموزش و کمک به پیشرفت و توسعه اجتماعی است. هدف دیگر مطبوعات، آگاه‌سازی مردم است تا آن‌ها را قادر به اداره امور خود سازد. نیز مطبوعات باید برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی، سازندگی ملی، مبارزه با فقر و دادن آگاهی‌های سیاسی بسیج شوند.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که هدف مطبوعات همانند هر نهاد فرهنگی و عملی دیگر جامعه، رشد و بالندگی جامعه و بالا بردن سطح آگاهی مردم است.

۲- گویه‌های مورد مخالفت بیش‌تر

از میان ۷۵ گویه تحقیق، تمام پاسخگویان با هفده گویه مخالفت بیش‌تر دارند. به تعبیر دیگر، استادان و روزنامه‌نگاران افغان در مخالفت با هفده گویه همصدا شده‌اند. بر اساس داده‌های این جدول، نه گویه از نظام آمرانه، شش گویه از نظام کمونیستی، و سه گویه از نظام توسعه با مخالفت پاسخگویان مواجه شدند. این بدان معنی است که پاسخگویان با نظام‌های آمرانه مطبوعات و نظام‌های کمونیستی مطبوعات مخالف هستند.

جدول شماره ۱

گویه‌های مورد توافق بیش‌تر ۴۵ نفر پاسخگو (استادان و روزنامه‌نگاران مقیم داخل

و خارج) به ترتیب میانگین نمرات استاندارد

گویه‌ها	نوع نظام	کدگویه	گویه‌های مورد توافق بیش‌تر پاسخگویان	میانگین نمرات Z
۱	آزادی‌گرا	۴۲	توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات باید ممنوع باشد.	۱/۴۴
۲	توسعه‌ای	۲۰	مطبوعات باید در حفظ هویت فرهنگی و زبان ملی مشارکت داشته باشند.	۱/۴۴
۳	توسعه‌ای	۶۵	مطبوعات باید با استبداد داخلی و استعمار خارجی در ابعاد سیاسی و فرهنگی مقابله کنند.	۱/۳۶
۴	مسئولیت اجتماعی	۶۸	مطبوعات باید استقلال حرفه‌ای و بی طرفی خود را با رعایت اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری حفظ کنند.	۱/۳۴
۵	توسعه‌ای	۴۵	مطبوعات باید در توسعه دموکراسی، یعنی حکومت مردم بر مردم و مشارکت مردم در انتخابات کمک کنند.	۱/۳۰
۶	مسئولیت اجتماعی	۱۳	هدف از انتشار روزنامه باید اطلاع رسانی، آموزش و کمک به به پیشرفت و توسعه اجتماعی باشد.	۱/۲۶
۷	مسئولیت اجتماعی	۸	همه اقلیت‌های نژادی، مذهبی، قومی و سیاسی باید از هرگونه تعرض مطبوعات در امان باشند.	۱/۲۶
۸	مسئولیت اجتماعی	۲۶	مطبوعات باید جایگاهی برای طرح نقطه‌نظرات گوناگون باشند و نباید نسبت به بی‌آمدهای کار خود بی تفاوت باشند.	۱/۲۲
۹	مسئولیت اجتماعی	۶۳	آگاه سازی مردم از اهداف مطبوعات است، به طوری که آن‌ها را قادر به اداره امور خود سازد.	۱/۱۸
۱۰	آزادی‌گرا	۷	اعتبار، مالکیت و حریم خصوصی افراد باید توسط مطبوعات حفظ شود. در صورت تجاوز به حقوق دیگران، مطبوعات باید با عواقب قانونی آن رویه‌رو شوند.	۱/۱۶

جدول شماره ۲

گویه‌های مورد توافق بیش‌تر ۴۵ نفر پاسخگو (استادان و روزنامه‌نگاران مقیم داخل و

خارج) به ترتیب نمرات استاندارد

میانگین نمرات Z	گویه‌های مورد توافق بیش‌تر پاسخگویان	کدگویه	نوع نظام	
۱/۱۶	هیچ نهاد دولتی نمی‌تواند قانونی وضع کند که آزادی بیان و آزادی مطبوعات را محدود کند.	۶۲	آزادی‌گرا	۱۱
۱/۱۲	مطبوعات با وجود آزادی عمل، در جمع‌آوری و انتشار پیام‌ها نیز مسئولیت دارند یعنی روزنامه‌نگاران باید آزادی و مسئولیت را با هم بیامیزند.	۷۵	توسعه‌ای	۱۲
۱/۱۱	مطبوعات باید در شکل‌گیری بازار آزاد اندیشه بکوشند تا با تضارب آرا و اندیشه‌ها، حقیقت روشن شود.	۱۲	آزادی‌گرا	۱۳
۱/۰۸	هرگونه کنترل و نظارت پیش از انتشار مطبوعات نادرست است.	۲۳	آزادی‌گرا	۱۴
۱/۰۷	انتشار مطالب و اطلاعاتی که از نظر اجتماعی زیان‌بار و نیز تخطی از حقوق خصوصی است باید ممنوع باشد.	۵۳	مسئولیت اجتماعی	۱۵
۱/۰۵	مطبوعات باید به ریشه‌کنی بی‌سوادی، گسترش بهداشت، آموزش و کنترل جمعیت کمک کنند.	۵۵	توسعه‌ای	۱۶
۱/۰۳	مطبوعات نقطه‌نظرات مهم و طرف توجه جامعه را منعکس سازند؛ نه فقط آن‌هایی را که بادیگاه‌های مانک یا ناشر روزنامه هم‌نواپی داشته باشد.	۷۳	مسئولیت اجتماعی	۱۷
۱/۰۰	مطبوعات باید برای تحقق اهداف توسعه اقتصادی، سازندگی ملی، مبارزه با فقر و دادن آگاهی‌های سیاسی بسیج شوند.	۶۰	توسعه‌ای	۱۸

با توجه به این آمار و ارقام می‌توان نتیجه گرفت که دولت نباید بر ایجاد و عملکرد تشکل‌های صنفی مطبوعات نظارت داشته باشد و نیز دولت‌ها حق ندارند به بهانه اهداف توسعه در فعالیت مطبوعات مداخله و آن را محدود نمایند. همچنین پاسخگویان در مخالفت با این گویه که «مطبوعات باید از همه توان خود برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های دولت استفاده کنند»، همصدا شده‌اند.

رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی از صلاحیت دولت نیست و باید از طریق دادگاه‌های عادی و با حضور هیئت منصفه مطبوعات در خصوص این نوع تخلفات رسیدگی به عمل آید. بر اساس داده‌های این جدول، وظیفه مطبوعات، تهییج، تبلیغ سیاسی و سازماندهی مردم در جهت اجرای هدف‌های دولت نیست. مطبوعات باید بر اساس رسالت خود آزاد باشند. پاسخگویان با این گویه مخالفت کردند که «قانون مطبوعات باید امکان کنترل مستقیم دولت را بر جریان تولید پیام فراهم کند»، زیرا قانون‌هایی از این دست، مطبوعات را در استخدام دولت قرار می‌دهند.

مدیریت سیاسی جامعه حق تعیین مدیریت مطبوعات را ندارد، زیرا انتخاب و تعیین گرداندگان مطبوعات از سوی دولت با اصول اساسی آزادی مطبوعات مغایر است. «مطبوعات اجازه انتخاب به مردم را نمی‌دهند، بلکه برای آن‌ها تصمیم می‌گیرند و آن‌ها را متقاعد می‌سازند.» نیز از گویه‌هایی است که با مخالفت بیش‌تر مواجه شد. براساس آمار این جدول می‌توان گفت که نظام حاکم حق سانسور مطبوعات را ندارد.

این گویه نیز با مخالفت بیش‌تر مواجه شد که «آزادی مطبوعات برای دشمنان وجود ندارد و هر اقدامی علیه دولت، اقدام علیه محرومان و رنج‌کشیدگان است»، زیرا سلب آزادی دیگران به هر تعبیری در شرایط و حال و هوای امروز پذیرفته نیست و این صرفاً حربه نظام‌های کمونیستی در مبارزه با سرمایه‌داری بوده است.

همچنین پاسخگویان با این گویه‌ها نیز مخالفت کردند که «مطبوعات باید در چارچوب

سیاست حاکم فعالیت کنند؛ یا مطبوعات باید به وسیله دولت اداره شوند؛ یا حکومت حق دارد در محتوای مطبوعات قبل از انتشار دخالت کند؛ یا انتقاد از رهبران سیاسی جامعه مجاز نیست، زیرا با فلسفه وجودی مطبوعات و آزادی بیان و افکار در تضاد است».

رژیم سلطه و اقتدارگرا همواره به بهانه‌های مختلف، آزادی‌های طبیعی افراد را سلب می‌کند و تحمل انتقاد را ندارد.

تذکر: برای جلوگیری از اطالۀ کلام، از تشریح و توصیف گویه‌های مورد توافق نسبی این جدول خودداری شد. در صورت نیاز، به اصل پایان نامه می‌توان مراجعه کرد.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که ۴۵ پاسخگویی این تحقیق با ویژگی‌های نظام آمرانه مطبوعات و نظام کمونیستی مطبوعات به مخالفت برخاسته‌اند. در درجات بعد، با گویه‌های نظام توسعه‌ای که بعضاً حال و هوای اقتدارگرایانه دارد نیز مخالفت کردند و این، تمایل آن‌ها را برای برخورداری از شرایط آزاد، غیردولتی و مردم‌گرای روزنامه‌نگاری نشان می‌دهد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که پاسخ‌دهندگان در درجه اول به نظام مسئولیت اجتماعی رأی مثبت دادند و در مرحله بعد، نظام آزادی‌گرا را ارجح می‌دانند و گزینه سوم پاسخ‌دهندگان، نظام توسعه‌ای مطبوعات است. به تعبیر دیگر، نظم مطلوب مطبوعات افغانستان از منظر ۴۵ پاسخگویی این تحقیق، ترکیبی از نظام‌های مسئولیت اجتماعی و آزادی‌گراست که فرضیه ما را نیز تأیید می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان اذعان کرد که روزنامه‌نگاران افغان نمی‌خواهند تجارب تلخ گذشته نظام‌های کمونیستی و آمرانه یک بار دیگر تکرار شود.

اما انتظار ما این است که با تبیین نظام مطلوب مطبوعات افغانستان، مطبوعات و سایر وسایل ارتباطی کشور بتوانند در بازسازی و نوسازی افغانستان نقش مؤثر و مفیدی داشته باشند.

جدول شماره ۳

گویه‌های مورد مخالفت بیش‌تر ۴۵ نفر پاسخگو (استادان و روزنامه‌نگاران افغان مقیم داخل و خارج) به ترتیب نمرات استاندارد

میانگین نمرات استاندارد	گویه‌های مورد توافق بیش‌تر	کدگویه	نوع نظام	
۱-۱/۰۱	دولت باید بر ایجاد و عملکرد تشکل‌های صنفی مطبوعات نظارت داشته باشد.	۲۲	آمرانه	۱
۱-۱/۱۰	دولت حق دارد به نفع اهداف توسعه؛ در فعالیت مطبوعات مداخله و آن را محدود نماید.	۷۰	توسعه‌ای	۲
۱-۱/۱۲	ارزش‌های سیاسی حاکم باید به طور کامل توسط مطبوعات پذیرفته و رعایت شود.	۳۱	آمرانه	۳
۱-۱/۱۶	مطبوعات باید از همه توان خود برای پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های دولت استفاده کنند.	۴۶	آمرانه	۴
۱-۱/۱۸	رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی می‌تواند از طریق سازمان‌های اجرایی و خارج از دستگاه قضایی صورت گیرد.	۱۶	آمرانه	۵
۱-۱/۲۱	مطبوعات از قدرت حاکم حمایت کنند، نه این که با آن به مبارزه برخیزند؛ زیرا در این صورت اغتشاش و هرج و مرج جایگزین قدرت حاکم خواهد شد.	۴۰	توسعه‌ای	۶
۱-۱/۳۱	وظیفه مطبوعات ترویج، تبلیغ سیاسی و سازماندهی مردم در جهت اجرای هدف‌های دولت است.	۴۴	کمیونیستی	۷
۱-۱/۳۳	قانون مطبوعات باید امکان کنترل مستقیم دولت را بر جریان تولید پیام فراهم کند.	۱	آمرانه	۸
۱-۱/۴۰	مدیریت سیاسی جامعه، حق تعیین مدیریت مطبوعات را دارد.	۱۵	توسعه‌ای	۹
۱-۱/۴۳	انتخاب و تعیین گرداندگان مطبوعات می‌تواند از سوی مدیریت سیاسی جامعه (دولت یا حکومت) انجام گیرد.	۴۱	آمرانه	۱۰

جدول شماره ۴

گویه‌های مورد مخالفت بیش‌تر ۴۵ نفر پاسخگو (استادان و روزنامه‌نگاران افغان مقیم

داخل و خارج) به ترتیب نمرات استاندارد

میانگین نمرات استاندارد	نوع نظام	کدگویه	گویه‌های مورد توافق بیش‌تر
۱۱	کمونستی	۷۴	مطبوعات اجازه انتخاب به مردم را نمی‌دهند، بلکه برای آن‌ها تصمیم می‌گیرند و آن‌ها را متقاعد می‌سازند.
۱۲	کمونستی	۵۸	نظام حاکم بر جامعه حق دارد به نفع اهداف مورد نظر خود؛ مطبوعات را سانسور و در کار آن‌ها مداخله کند.
۱۳	کمونستی	۶۴	آزادی مطبوعات برای دشمنان وجود ندارد. هر اقدامی علیه دولت، اقدام علیه محرومان و رنج کشیدگان است.
۱۴	آمرانه	۶	مطبوعات باید در چارچوب سیاست حاکم فعالیت کنند.
۱۵	کمونستی	۲۷	مطبوعات باید به وسیله دولت (حکومت) اداره شوند.
۱۶	کمونستی	۱۹	حکومت حق دارد در محتوای مطبوعات قبل از انتشار دخالت کند.
۱۷	آمرانه	۶۱	انتقاد از رهبران سیاسی جامعه مجاز نیست و پیگرد قانونی دارد.

پیشنهادها

- ۱ - نظام صدور پروانه فعالیت (جواز فعالیت) باید جای خود را به نظام آزاد انتشار مطبوعات بدهد که این خود، یکی از دست‌آوردهای مثبت جامعه بشری است.
- ۲ - در نظام مطلوب مطبوعات افغانستان نباید امنیت شغلی و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگار از طریق نهادهای دولتی تهدید شود. باید نهادی از خود روزنامه‌نگاران ایجاد گردد و بر عملکرد روزنامه‌نگاران نظارت داشته باشد.
- ۳ - تشکیلات صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران توسط روزنامه‌نگاران بدون دخالت دولت به رسمیت شناخته شود.
- ۴ - شورای عالی مطبوعات از میان روزنامه‌نگاران ایجاد شود و بر امور مطبوعات رسیدگی نماید.
- ۵ - باید به آموزش حرفه‌ای روزنامه‌نگاران توجه جدی مبذول گردد. جامعه افغانستان در آینده به نیروهای متخصص، خلاق و مبتکر نیازمند است و تخصص‌گرایی یکی از گفتمان‌های مهم امروز و فردای افغانستان است.
- ۶ - در عرصه مطبوعات باید فن‌آوری متناسب با شرایط افغانستان باشد. از فنی‌آوری پرهزینه و پیچیده باید پرهیز شود.

منابع

- ۱- آهنگ، محمدکاظم. سیر ژورنالیسم در افغانستان. کابل: آکادمی تاریخ و ادب افغانستان، ۱۳۴۹.
- ۲- بدیعی، نعیم. «جایگاه، رسالت و مسئولیت اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰.
- ۳- برایان، هد. اندیشه سیاسی افلاطون تا ناتو. ترجمه مرتضی کاظمی و اکبر افسری. تهران:

آگاد، ۱۳۷۳.

- شکرخواه، یونس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.

- غبار، غلام محمد. افغانستان در مسیر تاریخ. ایران: چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- قوانین اساسی افغانستان از ۱۳۰۱ تا ۱۳۷۲ شمسی. تهران: نشر مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴.

- مبانی و مفاهیم مارکسیسم. تهران: اتحاد مبارزه، ۱۳۷۵.
- معتمدنژاد، کاظم. حقوق ارتباط جمعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، [بی تا].
- معتمدنژاد، کاظم. حقوق مطبوعات. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- معتمدنژاد، کاظم. «آگهی‌های بازرگانی و از خود بیگانگی انسان»، فصلنامه رسانه. شماره ۲، تابستان ۱۳۶۹.

- معتمدنژاد، کاظم. تقریرات در کلاس مورخ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۱۶.
- ویل دورانت. تاریخ تمدن. جلد هشتم، عصر لویی چهاردهم، ترجمه، پرویز مرزبان، ابوظالب صارمی و عبدالحسین شریفیان. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

- هایمراس، یورگن. «کنش ارتباطی و زبان»، فصلنامه راهبرد. شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۶.
- هانا هارت. فهم نظریه غالب (چیرگی) در مطالعات فرهنگی و تجدید حیات نظریه انتقادی. ترجمه محمدهاشم عصمت‌اللهی. جزوه درسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵.

- Hachten, William. "Prism", *The World News*. Ames: Iowa. University Press, 1981.

- Milton, John. "A speech of the liberty of unliceeced", *Areopagitica*. London, 1644.

- Sibert, Fred; Theodore Peterson & Wilbur Shramm. "Four Theories of the press", Urbana: University of Illinois press 1956.

- Williams, Raymond. "Britain in the sixties," *Communication*, 1962.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی